

Parody Stylistics of Abolfazl Zarooi Nasrabads Comic Book*

Reza Poordehghan Ardakan

PhD student in Persian language and literature, Shahrekord Azad University

Dr. Asghar Rezapoorian

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shahrekord Azad University

Dr. Mohammad Hakimazar

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord Azad University

Abstract

Abolfazl zarooi Nasrabad is one of the most famous satirist after the Islamic revolution of Iran. His writings in satire involve both prose and verse. Zarooi started his work in satire press for the first time especially in Golagha. One of the most important characteristics of his style is the apt and adept use of parody technique. This study answers this question that if parody is the stylistic characteristic of Zarooi?

Zarooi parodies are important from the view of form, content and word. Zarooi applies this technique to criticize political and social matters and also to convey his thoughts to the readers. Because of his sufficient mastery in classic and contemporary Persian literature he was able to make the most use of parody in both verse and prose. However, in some of his first writings especially in "Tazkeratol Maghamat" he used parody to deal with political and social famous people of a particular period of time for this reason we can notice that these writings gradually became ambiguous for readers and they are now old-fashioned. Other parodies that he tried to explain and convey the content and atmosphere of satire were more successful and permanent. Another point is that Zarooi has considered specific writings of classic texts as well as forms in his parody and his parody is more near to "Sadi" and "Hafez" than other poets.

Keywords: Abolfazl Zarooi Nasrabad, Parody, Satire, Stylistic.

* Date of receiving: 2017/5/15

Date of final accepting: 2018/4/23

- email of responsible writer: rezaporian@gmail.com

فصلنامه علمی کاوش‌نامه
سال بیستم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۴۱
صفحات ۷۱ الی ۱۰۰

سبک‌شناسی نقیضه در آثار طنز زرویی نصرآباد*

رضا پوردهقان اردکان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

دکتر اصغر رضاپوریان^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

دکتر محمد حکیم‌آذر

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

چکیده:

ابوالفضل زرویی نصرآباد از برجسته‌ترین طنزپردازان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. آثار وی در طنز، هر دو زمینه نظم و نثر را در بر می‌گیرد. زرویی کار خود را از مطبوعات طنز و بخصوص، گل‌آفا آغاز کرده است. یکی از مهمترین ویژگی‌های سبکی آثار او استفاده مناسب و ماهرانه از فن نقیضه است. نقیضه، لزوماً متنی است طنزآمیز به نظم یا نثر، در تقلید از متنی دیگر که از لحاظ ادبی، شهرت فراوان دارد و برای مخاطب آشناست. پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا می‌توان نقیضه را ویژگی سبکی زرویی نصرآباد دانست؟ نقیضه‌های زرویی از لحاظ صوری، مضمونی و لفظی دارای اهمیت است. زرویی از این شگرد برای بیان انتقادهای سیاسی و اجتماعی، انتقال افکار خود به خواننده و بیان سخن مؤثر، بهره می‌گیرد. وی به دلیل تسلط کافی بر حوزه ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی توانسته است از فن نقیضه در هر دو زمینه نهایت استفاده را ببرد. با این حال، در نقیضه‌های به‌کار رفته در بعضی از آثار نخستین زرویی - بخصوص «تذکره‌المقامات»- به دلیل پرداختن به شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی مقطع زمانی خاص، باعث شده است که این آثار با گذشت زمان، کارکرد خود را از دست داده و دچار محدودیت تاریخ مصرف گردند. نقیضه‌های دیگری که زرویی در آن سعی در بیان و انتقال مضمون و فضاسازی کلی طنز داشته است، ماندگارتر و موفق‌تر بوده‌اند. نکته دیگر اینکه زرویی در نقیضه، علاوه بر فرم و قالب‌ها به آثار مشخصی از متون کلاسیک نظر داشته است؛ به‌طوری‌که در آثارش بسامد نقیضه‌گویی از آثار قدمايي چون سعدی و مولانا و در بین معاصرین، اخوان ثالث بیشتر از دیگر شعرا است. واژگان کلیدی: زرویی نصرآباد، نقیضه، طنز، سبک‌شناسی.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۲/۳

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲۵

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: rezaporian@gmail.com

مقدمه

طنز و زیرمجموعه‌های آن در ادبیات فارسی معاصر، پس از دوران مشروطیت وارد مرحله‌ای جدید و کاربردی می‌شود. از این دوران به بعد، طنز نیز مانند دیگر انواع ادبی در خدمت حیات سیاسی و اجتماعی جامعه قرار می‌گیرد و شاعران و نویسندگان با استفاده از این نوع ادبی به بررسی و بیان عیوب و رذائل فردی و اجتماعی می‌پردازند. در این دوران برای نخستین بار ادبیات طنز به وسیله صنعت نوپای روزنامه‌نگاری و مطبوعات فرصت رواج و شنیده شدن را پیدا کرد. «با ورود روزنامه‌نگاری به ایران، طنزپردازان که تا آن زمان جایی برای ارائه آثار خود نداشتند، مطبوعات را مکان مناسبی برای درج آفریده‌های طنزآمیز خود یافتند و از همان زمان، پیوند و تعامل میان صاحبان جراید و طنزآوران موجب شد تا هم جراید و نشریات خواندنی‌تر و پرمخاطب‌تر شوند و هم زمینه و بستری مناسب برای رشد و گسترش طنز فراهم آید» (فرشادمهر، ۱۳۸۹، ص ۸).

در میان طنزپردازان پس از انقلاب اسلامی، کمتر چهره‌هایی در طنز می‌توان یافت که دارای سبک و سیاقی مختص به خود باشند و مورد تقلید دیگر نویسندگان و شعرای طنزپرداز قرار گرفته باشند. زرویی نصرآباد از معدود چهره‌هایی است که از دوران نوجوانی وارد فضای طنز مطبوعات گردید و در مدت کوتاهی تبدیل به یکی از طنزپردازان موفق شد.

یکی از شگردهای طنزپردازی زرویی، استفاده بجا و ماهرانه از نقیضه در آثار خویش است. به نوعی که اولین نقیضه‌های وی که در سال ۱۳۷۶ تحت عنوان «تذکره المقامات» به چاپ رسید، در شمار یکی از استوارترین و ماندنی‌ترین نقیضه‌های طنز کشور محسوب می‌شود. «مؤلف تذکره المقامات، آن را بر اساس کتاب تذکره الاولیاء عطار و نیز کتاب حالات و مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر - نوشته محمدبن منور - نقیضه‌سازی کرده است و حق آن است که از تمام نقیضه‌سازان طنز که من شناخته‌ام،

برتر و شیواتر و زبان آن استوارتر و طنز آن گزنده و شیرین‌تر است» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰).

این نوشتار شامل سه بخش است. بخش نخست به سیری کوتاه در ادبیات انتقادی فارسی می‌پردازد؛ سپس مسأله پژوهش و ضرورت پرداختن به آن، بیان و در ادامه تعریفی مختصر از اصطلاحات مرتبط با موضوع پژوهش، برای اشراف خوانندگان مطلب ارائه می‌دهد. بخش دوم مروری به زندگی ابوالفضل زرویی نصرآباد، ویژگی‌های طنز و نگارش او دارد. در بخش سوم به بررسی، نقد و تحلیل سبکی نقیضه‌های وی پرداخته شده است.

بیان مسأله و ضرورت پژوهش

ادب انتقادی به‌عنوان ادبی غیر رسمی کمتر از سوی شعرا و نویسندگان کلاسیک فارسی مورد توجه قرار گرفته است. پرداختن به این نوع ادبی از قبیل طنز، هجو و هزل همواره به‌صورت تفننی، سرگرمی و گاه برای تحقیر و تمسخر کاربرد داشته است. با شکل‌گیری انقلاب مشروطه و تحت تأثیر ادبیات غرب، ادبیات انتقادی نیز مانند سایر انواع ادبی دچار تغییر و تحول گردید. در این دوران، شعر و ادبیات از دربار به میان توده مردم راه یافت و ادبیات انتقادی در قالب طنز به مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخت.

در همان روزهای نخستین رواج ادبیات طنز، یکی از شگردهای طنزپردازان برای جلب توجه عموم و نفوذ کلام در دل و جان آنان استفاده از نقیضه بوده است. نقیضه‌پرداز با تقلیدکردن از شیوه نگارش متون ادبی مشهور، اثری طنزآمیز را خلق می‌کند که خوانندگان با خواندن آن، ناخودآگاه به یاد متن تقلید شده می‌افتند. این شیوه علاوه بر التذاذ ادبی حاصل از مقایسه دو متن، در صورت مهارت نقیضه‌ساز، سبب بیان سخن مؤثر نیز می‌شود.

علی‌اکبر دهخدا در مقالاتی با نام چرند و پرند، با استفاده از این سبک، قالب نامه‌های عصر خود را به تمسخر گرفته است. صادق هدایت و مسعود فرزاد در «وغ و غ ساهاب» به شیوه اندرزگویی‌های اخلاقی تاخته‌اند. از دیگر نمونه‌هایی که از شگرد نقیضه برای بیان مطالب خود بهره گرفته، می‌توان به «التفصیل» فریدون تولگی، «جوامع‌الحکایات» منوچهر احترامی، «دیپلمات‌نامه» یوسف‌علی میرشکاک، «حافیض» ناصر فیض و نوشته‌های متفرقه سید ابراهیم نبوی اشاره کرد.

مطالعه نقیضه‌های ابوالفضل زرویی نصرآباد به این دلیل اهمیت دارد که وی در آثار منظوم و مثنوی خود به صورت ویژه از این شگرد استفاده کرده تا به نقد مسائل اجتماعی و سیاسی معاصر ایران بخصوص پس از پیروزی انقلاب بپردازد. بررسی و تحلیل انتقادی نقیضه‌های زرویی نصرآباد، می‌تواند نقش مهم و جایگاه والا و ناشناخته و کارکرد نقیضه را در قلمرو طنز سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب ایران نمایان سازد.

پیشینه پژوهش

مفهوم نقیضه برگرفته از واژه پارودی است که ریشه‌ای کهن در فرهنگ و زبان یونان دارد. ارسطو در فن شعر خویش به منشأ آن اشاره داشته است. در ادبیات غرب نیز از گذشته تاکنون پیوسته مورد بحث و موضوعی برای نظریه‌پردازی بوده، مختصری از آن به فارسی برگردانده شده است.

از جمله پیشروان تحقیق در موضوع نقیضه در زبان فارسی، باید از مهدی اخوان ثالث نام برد. مجموعه یادداشت‌های وی با نام «نقیضه و نقیضه‌سازان» از مهمترین منابعی است که پژوهشگران این موضوع به آن نیازمند هستند. این اثر در سال ۱۳۷۴ به کوشش ولی‌الله درودیان برای نخستین بار توسط انتشارات زمستان چاپ گردید. در جستجوی سابقه پژوهش در باب نقیضه، پژوهش‌های متعددی انجام شده است.

«نقیضه در گستره نظریه‌های ادبی معاصر» (۱۳۸۸) از قدرت قاسمی‌پور، «نقیضه و پارودی» (۱۳۸۹) از غلامعلی فلاح قهرودی، و همچنین مقاله «تحلیل و تعاریف

نقیضه» (۱۳۸۹) از محمدرضا صدریان، عنوان سه مقاله‌ای است که در آن، به تعاریف متعدّد از پارودی و نقیضه و نظریه‌های ادبی مطرح‌شده بر اساس آن می‌پردازد. اما آنچه بیشتر مورد جستجوی نویسنده این مقاله قرار گرفته، آثار پژوهشی در زمینه طنز زرویی نصرآباد بوده است که در بررسی‌های خود، به دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع زرویی نصرآباد برخوردیم. نخست «نقد ساختاری غلاغه به خونش نرسید، اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد» (۱۳۹۱) به نویسندگی نسرین فقیه ملک مرزبان (استاد راهنما)، مریم حسینی و سارا غلامی در دانشگاه الزهرا و پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام، خلیل جوادی و ابوالفضل زرویی نصرآباد» (۱۳۹۱) به نویسندگی مهدی خادمی کولایی (استاد راهنما) و حمیده پریدل در دانشگاه پیام نور مازندران است. هر دو اثر به بخش کوچکی از آثار زرویی، به صورت مقایسه‌ای و فارغ از بررسی شگرد نقیضه‌گویی‌های وی پرداخته‌اند.

۱- نقیضه و انواع آن

نقیضه، لغتی عربی است که در اغلب لغت‌نامه‌ها در معنای شکستن استخوان، ویران کردن عمارت و بر هم زدن پیمان آمده است. دهخدا ذیل مدخل نقیضه آن را «مؤنث نقیض در معنای راه در کوه» آورده است. معین در فرهنگ فارسی آن را در معنای «باژگونه جواب گفتن شعر کسی، مهاجرات و هجو گویی» معنا کرده است. در فرهنگ سخن نیز ذیل نقیضه چنین آمده است: «اثری ادبی و علمی که به مقابله و نظیره‌گویی یا ردّ و تخطئه اثر دیگری ساخته می‌شود» (انوری، ۱۳۸۱، ص ۷۹۳۶).

مهدی اخوان ثالث در کتاب «نقیضه و نقیضه‌سازان»، با بررسی لغوی و پیشینه کاربرد آن در زبان و ادبیات فارسی، نقیضه را به دو نوع جدّ و هزل تقسیم‌بندی می‌کند: «۱. نقیضه در شعر به معنی نقض و شکستن و جواب مخالف و جدّ و جدالی برای مقابله و نظیره‌گویی یا ردّ و تخطئه شعر شاعر دیگری یا کلاً اثر ادبی و فکری

دیگری اعمّ از شعر و نثر، که بهتر است آن را نقیضه جدّ بنامیم. ۲. نقیضه به معنی پارودی فرنگیان که این را نقیضه هزل می‌نامیم» (اخوان ثالث، ۱۳۷۴، ص ۳۱).

در نقیضه، چون با تقلید از آثار مشهور پیشین مواجه هستیم، توانایی نویسنده در توجه به اثر اصلی و استفاده از بیانی هنرمندانه حائز اهمّیت است؛ زیرا با توجه به اثر اصلی، همیشه «سرمشق و طرحی از پیش وجود دارد، مجال هنرنمایی اندک و حدود ابتکار تنگ است و تنها لطف هنر طنز و قوّت قریحه نقیضه‌سرای، در نحوه همان تغییرات مبتکرانه و خلّاقیت ذوقی ... است که قدر و قیمت نقیضه را تعیین می‌کند» (اخوان ثالث، ۱۳۷۴، ص ۱۴۶). بحث اصلی در نقیضه، تقلید از اثری است که برای مخاطبان آشناست. «هرگونه اقتباسی از سبک‌های هنری پیشین را می‌توان نقیضه خواند، اما نقیضه در معنای خاصّ و دقیق آن عبارت است از به‌کار بردن آگاهانه، آیرونیک و کنایه‌آمیز هنری اثری دیگر» (مکاریک، ۱۳۸۵، ص ۴۳۷).

اهمّیت نقیضه بدان حدّ است که بعضی آن را به‌عنوان «روشی برای آموزش طنز و شیوه‌ای کارآمد در تمرین طنزنویسی و آموزش سبک خلّاق» دانسته‌اند (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۹). نقیضه پرداز می‌کوشد که از شیوه‌های جدّی و ویژگی‌های خاصّ یک اثر ادبی مشخص یا سبک منحصر به فرد یک نویسنده یا ویژگی‌های سبکی و دیگر عناصر یک نوع ادبی جدّی تقلید کند و با به‌کار رفتن این سبک برای موضوع کم‌مایه یا مضمون خنده‌دار که هیچ‌گونه تناسبی با آن اثر جدّی ندارد، اثر نخستین را خدشه‌دار سازد. بعضی از محقّقین، نقیضه را جایگزینی مناسب برای واژه پارودی در زبان فرنگیان می‌دانند؛ در حالی که با وجود شباهت‌های موجود در هر دو، نمی‌توان آن را جایگزینی جامع برای نقیضه دانست؛ چنانچه اخوان ثالث نیز به این مهم آگاه بوده، نقیضه را به دو نوع جدّ و هزل تقسیم کرده است.

پارودی در اصل، لغتی یونانی است. «واژه فرانسوی *parodie* از واژه لاتین *parodia* مشتق شده است که خود برگرفته از کلمه یونانی *parodia* است که به معنی تقلید هزل‌آمیز قطعۀ شعر است» (آبرامز، ۱۳۸۴، ص ۵۸۳). «پارودی یکی از انواع بورلسک

عالی است که در آن شیوه جدی و مشخصه‌های متمایزکننده یک اثر خاص ادبی به وسیله اعمال تقلیدی و ریشخندآمیز، تحقیر می‌شود و به این وسیله، نمونه اصلی به وسیله بدقواره‌ای ترسیم می‌گردد» (آبرامز، ۱۳۸۴، ص ۲۷). «پارودی نوشته‌ای ادبی به حساب می‌آید که سعی می‌کند سبک یا فرم یک نوشته جدی را به قصد ایجاد تأثیری شوخ‌طبعانه تقلید کند» (Americana, 342/21).

شیپلی در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» خود، نقیضه را تقلیدی اغراق‌آمیز از ویژگی‌های یک سبک به صورت طنزآمیز می‌داند؛ به نحوی که از کلمات، سبک و طرز فکر نویسنده‌ای استفاده شود و با ایجاد تغییراتی هدفمند، آن ویژگی‌ها به صورتی خنده‌دار و در موضعی غیرجدی و نابجا اثر اصلی را مورد تمسخر قرار دهد. (Shipley, 1970, p231) وی براساس همین تعریف، نقیضه را به سه دسته: نقیضه‌های لفظی (verbal)، صوری (formal) و نقیضه درون‌مایه‌ای (thematic) تقسیم می‌کند؛ که اولی تنها به واژه‌های اصلی نظر دارد که در ادبیات فارسی می‌توان به دیوان اطعمه و دیوان البسه اشاره کرد. دومی به شیوه نگارش و سبک اثر اصلی می‌تازد؛ آن را مسخره می‌کند و علاوه بر آن، از لحن جدی اثر اصلی برای تأثیرگذاری خودش استفاده می‌کند. مانند قطعات طنزآمیز «التفصیل» فریدون تولگی و سومی، نیت و محتوای اثر اصلی را به صورت طنزآمیز بازسازی می‌کند؛ مانند رساله «اخلاق‌الاشراف» عبید زاکانی که نقیضه‌ای است بر «اوصاف‌الاشراف» خواجه نصیرالدین طوسی.

نقیضه را به‌عنوان شگردی در طنزنویسی، می‌توان در فرهنگ ادبی اغلب کشورهای جهان دید. «در فرهنگ ملل جهان، همیشه نوعی از ادبیات وجود داشته و دارد که در زبان‌های فرنگی به آن پارودی می‌گویند و قدمای ایران آن را نقیضه می‌خوانده‌اند و نقیضه آن است که قالب یا سبک یک متن پیشین را در جهت خلاف آن به‌کار گیریم، که غالباً تبدیل اسلوب جدی است به هزل و شوخی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۴۲۱).

«طنز و هزل در برخی موارد از نوع خاصی است، از قبیل آنچه اروپایی‌ها، پارودیا می‌خوانند و در حقیقت عبارت است از آنکه سبک بیان، طرز فکر و حتی لفظ و عبارت

یک شاعر را بگیرند و به کلام او که جدی است، رنگ شوخی دهند و مسخره» (زرین کوب، ۱۳۸۱، ص ۶۶).

در ادبیات کلاسیک ایران، نقیضه را در معنایی محدود می‌توان هم در شعر و هم در نثر مشاهده کرد. اولین نقیضه‌ها را در اشعار شاعرانی چون بسحاق اطعمه و عبید زاکانی می‌بینیم. بسحاق با تقلیدی از اشعار حافظ و سعدی به وصف غذاها و نوشیدنی‌های گوارا پرداخته و نقیضه‌هایی از نوع لفظی (verbal) خلق کرده است. در نمونه‌های دیگر نیز ادبایی چون ادیب کرمانی در «خارستان»، سبک گلستان سعدی را تقلید کرده‌اند.

در زبان فارسی معادل‌های گوناگونی برای پارودی به کار رفته است. حسن جوادی معادل «تقلید مضحک» را برای آن برگزیده است (جوادی، ۱۳۸۴، ص ۲۹). علامه قزوینی در جلد چهارم از یادداشت‌های خود، «نقیضه را بهترین برابر نهاده برای پارودی» می‌داند (قزوینی، ۱۳۸۸، ص ۹۱۱). اخوان بین نقیضه جدّ و غیر جدّ فرق می‌گذارد و «پارودی را نقیضه هزل یا غیر جدّ» می‌نامد (اخوان ثالث، ۱۳۷۴، ص ۲۸). همچنین در زبان فارسی از این واژه برابر نهاده‌های گوناگونی چون: تقلید مضحک، تقلید شوخی، نظیره‌سازی، نقیضه، تقلید، شعر مزور، وارونه‌سازی، مشابه‌سازی، اثر بدلی، تحریف، تبدیل و... نامبرده شده است که از این میان، واژه نقیضه بسامد بیشتری دارد. با تمام این تعاریف، «پارودی تنها به مواردی اطلاق می‌شود که اثر معینی از نویسنده باشد و آن اثر هم حتماً باید نوشته‌ای به نثر یا شعر باشد؛ اگر صورت حفظ شود و معنی تغییر کند، به آن پارودی می‌گویند و در زبان فارسی همه این موارد تحت عنوان نقیضه شناخته می‌شود» (حلبی، ۱۳۷۷، ص ۷۷).

۲- نگاهی گذرا به زندگی و آثار ابوالفضل زرویی نصر آباد

ابوالفضل زرویی نصرآباد در سال ۱۳۴۸ خورشیدی از پدر و مادری اهل یزد، در تهران تولد یافت. اولین نوشته‌های طنزش در مجله فکاهی خورجین منتشر شد و مورد

تشویق مرتضی فرجیان، سردبیر مجله قرار گرفت. در سال ۱۳۶۸ هم‌زمان با انتشار هفته‌نامه طنز و فکاهی «گل آقا» توسط کیومرث صابری فومنی به مجله گل آقا دعوت و علاوه بر نویسندگی و طنزپردازی، مدتی به‌عنوان معاون سردبیر گل آقا مشغول فعالیت شد.

گل آقا از جمله نخستین مجله‌هایی بود که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به صورتی جدی و مؤثر به طنز و ادبیات انتقادی پرداخت و باعث بروز و ظهور استعدادهای طنز در کشور گردید. دوره حیات ادبی زرویی همواره در مطبوعات مختلف کشور سپری شده است، به طوری که وی پس از تعطیلی گل آقا، به روزنامه همشهری رفت و در سال ۱۳۷۱ در آن روزنامه با راه‌اندازی ستون طنز ادبی، تحت عنوان «تذکره‌المقامات»، به بیان رویدادها و معرفی شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی روز، به زبان طنز پرداخت.

مطالب منتشر شده در این ستون بعدها تحت عنوان کتابی با همین نام منتشر گردید. نکته جالب آن است که این کتاب علی‌رغم خوانندگان فراوان، فقط یک‌بار چاپ شد و تاکنون به دلایل نامعلوم موفق به تجدید چاپ نگردیده است. زرویی در روزنامه‌هایی چون جام جم، ایرانیان، انتخاب، همشهری و ... با اسامی مستعاری چون نه‌قمر، ملانصرالدین، میرزا یحیی، امیرزمتقی، عبدل، ملّا و ... مطالب طنز می‌نوشت. ستون طنز ادبی او در روزنامه همشهری به نام «تذکره‌المقامات» از ماندگارترین کارهای اوست، که با استفاده از شگرد نقیضه در طنز نویسی خلق شد؛ به طوری که بسیاری آن را «از استوارترین و ماندنی‌ترین نقیضه‌های تاریخ طنز کشور» دانسته‌اند (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

زرویی نصرآباد در سال‌های اخیر، دفتر طنز حوزه هنری را پایه‌گذاری کرد تا مکانی برای پرورش استعداد خیل جوانان مشتاق به ادبیات طنز باشد. همچنین سلسله جلسات شب شعر با نام «در حلقه رندان» و «رمز طنز» در تهران و استان‌های مختلف کشور به سعی و اهتمام او در حال برگزاری است.

آثار زرویی نصرآباد در موضوع طنز، متنوع و به هردو صورت منظوم و منثور است. آثار طنز چاپ شده وی شامل: اصل مطلب، تذکرةالمقامات، افسانه‌های امروزی، رفوزه‌ها، غلاغه به خویش نرسید، خاطرات حسنعلی‌خان مستوفی و کتاب گویای بامعرفت‌های عالم است. در زمینه ادبیات غیرطنز نیز دو اثر از وی با نام‌های: «آه به روایت ماه» و «حدیث قند» به چاپ رسیده است؛ اثر نخست به زندگی حضرت ابوالفضل علیه‌السلام و اثر دیگر مجموعه مقالات طنزپژوهی را شامل می‌شود. زرویی نصرآباد، دانش‌آموخته و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است. آشنایی و تسلط بر آثار ادبی کلاسیک و معاصر فارسی، بهره‌گیری از زبانی ساده و بی‌تکلف، بهره‌گیری استادانه از فنّ نقیضه و بیانی محاوره‌ای و عامیانه از مهمترین ویژگی‌های آثار وی است.

۳- نقیضه در آثار طنز زرویی نصرآباد

زرویی نصرآباد تحصیلات دانشگاهی‌اش را تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی به پایان رسانده است و تسلط و مهارتی قابل توجه در زمینه آشنایی با متون نظم و نثر کلاسیک و معاصر فارسی دارد. همچنین سال‌ها کار در حوزه طنز به همراه استعدادی ذاتی، سبب شده که دامنه نقیضه‌های وی گستره فراوانی داشته باشد. در این مقاله سعی شده به تمام نقیضه‌گویی‌های وی اشاره شود:

۳-۱- نقیضه شعر نو

با توجه به اینکه حجم قابل توجهی از آثار نخستین زرویی نصرآباد به شیوه نقیضه بر آثار شاعران نوپرداز میهنی سروده شده است و نقیضه‌گویی بر اشعار نو تا پیش از این، سابقه‌ای درخور نداشته است؛ بایست وی را در این نوع نقیضه‌پردازی، پیشرو دانست؛ چنانچه پس از وی این روش، الگویی برای سایر طنزپردازان قرار گرفته است. به همین دلیل در این قسمت، نخست به بررسی نقیضه‌های وی بر شعر نو می‌پردازیم.

نقیضه‌های نخستین زرویی به شیوه مطبوعاتی چون خورجین و گل آقا، تحت تأثیر بیان مسایل اقتصادی و مشکلات شهری است. او تقریباً بر شعر تمامی شاعران سرشناس سبک نیمایی از جمله نیما یوشیج، سهراب سپهری، اخوان ثالث، احمد شاملو، سیاوش کسرایی و... نقیضه ساخته است. بیان مسائل تکراری در چهارچوب شعر نو به مدد نقیضه‌گویی، سبب شده است که خواندن آن برای مخاطب گوارا باشد و این از خلاقیت‌هایی است که زرویی به‌خوبی از عهده آن برآمده است. در شعر زیر زرویی نقیضه شعر نو را بر اساس شعر حماسی «آرش کمانگیر» از سیاوش کسرایی با هدف بیان مشکلات اقتصادی سروده است.

«گفت عمو نوروز: مردمان بر گرد کوه مشکلات آنک / چهره‌ها وارفته / لب خاموش / ایستاده منتظر تا رادمردی آهنین پیکر / یا اقلأ این نشد هم یک نفر دیگر / دست بفشارد / وانگهی این کوه هیکل‌مند را از جای بردارد / وضع مردم سخت نامیزان / و سبیل جمله گردن کلفتان سخت آویزان / ناگهان آمد برون از بین مردم، مرد مردانمرد / پیلتن مردی پلنگ‌افسون / بازویش همچین / هیکلش همچون / مردمان در زیر لب آهسته با هم گفتگو کردند و نگاهی از سر حیرت بدو کردند / اینچنین آغاز کرد آن مرد / این منم بنده / کوه‌های گنده را از بیخ و بن کنده / می‌تپد در سینه‌ام از شوق خدمت، قلب من تُپ تُپ / و قلمبه گشته توی خون من ایثار / یا اولوالابصار» (زرویی، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

نمونه زیر نیز یکی دیگر از نقیضه‌های زرویی است بر اشعار نویی از، اخوان ثالث با عنوان «من اینجا بس دلم تنگ است» که فضای اقتصادی جامعه را در مقطع زمانی خاص، در قالب شعر نو ترسیم می‌کند: «اینجا صفی دراز و هماهنگ است / اینجا دلم گشاد و فضا تنگ است / آنجا کنار مدخل قصابی / در انتهاش روشن مهتابی / گویی برای مرغ یخی جنگ است» (همان، ص ۱۶).

۳-۱-۱- نقیضه تزریق

تزریق‌گویی شیوه‌ای از بیان شعر و نثر ادبی است که در دوران صفویه به دلیل استقبال برخی سلاطین، از رواج درخوری برخوردار بوده است. تزریق نوعی نقیضه و

شامل اشعاری است که با وجود برخوردار بودن از مختصات ظاهری زبان ادبی، هیچ معنی خاصی نمی‌دهد و سراپا مهمل‌بافی و بیهوده‌گویی است، به طوری که حتی گاهی با عنوان شعر «مسلوب‌المعانی» شناخته می‌شود و بعضی آن را «نوعی نقیضه هنجارستیز طنزآمیز» دانسته‌اند (شفیعیون، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

«من دادخواه خون کلاغانم / دردا اسیر تنگی تنبانم / من اهل یزد و ساکن تهرانم / حیرانم / شعر و نهنگ و قاطر و تنهایی / در کوچه‌ای به وسعت دستان سبز رنگرزان / ابری / غوغای پشم و شیشه شیرینی است / پشمک ولی، بخاطر، چون، زیرا / اما چرا، مگر، ولی، آخر هیچ / در خاموشای کوچه پیچاپیچ» (زرویی، ۱۳۸۹، ص ۱۷).

«کلامم بوی شلغمناک احساسی است / آبی رنگ» (همان، ص ۱۸).

۳-۱-۲- نقیضه سیاسی

پرداختن به مسائل و حتی اشخاص سیاسی، سهم عمده‌ای از نقیضه‌های زرویی نصرآباد را تشکیل می‌دهد؛ چنانکه در تذکره‌المقامات، تمرکز وی بر همین موضوع است که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است. با این وجود، نقیضه‌های وی بر اشعار نو نیز از بیان موضوعات سیاسی روز جامعه، برکنار نمانده است.

«تو کوچه / تو بازار / تو خاکی، تو شن‌زار / هر جا میرم صحبت از / نامزدی رییس جمهوری / حالا که این جوریه / من اصلاً / دلم می‌خواد رییس جمهور بشم / اگه دروغ میگم الهی کور بشم» (همان، ص ۲۳).

۳-۱-۳- نقیضه اسامی خاص

زرویی نصرآباد پس از گذار از حال و هوای مطبوعاتی اولیه خویش که تحت تأثیر مجلاتی چون خورجین و گل‌آقا قرار داشت و اولویت مطالب آن بر اساس بیان مشکلات شهری، اجتماعی و اقتصادی بود، به ادبیات انتقادی سیاسی روی آورد. از آنجا که بیان مسائل سیاسی همواره با محدودیت‌های خاص خود همراه است، ادبیات طنز را می‌توان بهترین شیوه برای بیان این‌گونه مسائل دانست. شیوه‌ای که در دوران مشروطه با تمسک به آن، مبارزات سیاسی را شکل دادند.

زرویی نیز با توجه به نگرش و باورهای خود در این بخش، رویدادهای سیاسی را بیان و از ذکر اسامی خاصّ عرصه سیاست، ابایی ندارد. در نقیضه زیر علاوه بر ذکر اسامی خاصّ مرتبط با موضوعات روز جامعه در لفافه‌ای از کنایه‌گویی، «چرم ساغری» نیز به‌عنوان داستانی از بالزاک به‌خوبی مطرح شده است، اثری که زرویی به‌عنوان نامی خاصّ آن را آورده است تا از این طریق مخاطب، علاوه بر مهارت، متوجه سطح آگاهی‌های وی نیز بشود.

«گر مادر عیال تو چندی است دم‌دمی است / گر پرتقال میوه‌فروشی همه بمی است /
گر بعض گوشت‌ها بتر از چرم ساغری / از حیث محکمی است / بی‌دردسر هرآنچه که
مشکل در عالمی است / تقصیر خاتمی است» (زرویی، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

۳-۱-۴- نقیضه ارگان‌های خاص

«آه ای بزرگانی که اندر رأس کارید / وقتی که روز اول ترم / شهریه‌ها را می‌شمارید /
آنکه که خوشحالید و شنگولید و دلشاد / آهسته زیر لب بگویید / بیچاره دانشجوی
دانشگاه آزاد» (همان، ص ۳۵).

۳-۱-۵- نقیضه حاصل از اشعار چندین شاعر

زرویی در نقیضه زیر ترکیبی از اشعار سهراب سپهری، نیما و حافظ را در یک شعر ارائه کرده است.

«کفشهایم کو؟ / دم در چیزی نیست / لنگه کفش من اینجاها بود / زیر اندیشه این
جاکفشی / جیب من از غم فقدان هزار و صد و هشتاد و سه چوق / که پی کفش، به
کفّاش محل خواهد داد / خواب در چشم ترش می‌شکند / کفش من پاره‌ترین قسمت
این دنیا بود / سیزده سال و چهل روز مرا در پا بود / یاد باد آنکه نهانش نظری با ما بود»
(همان، ص ۴۲).

۳-۱-۶- نقیضه چیستان

زرویی با شیوه‌های مختلف، به رویدادهای روزگار خود واکنش نشان داده و نقیضه را بهترین شگرد برای بیان این دغدغه‌ها انتخاب کرده است. در شعر زیر با نقیضه‌گویی

در قالب چیستان، به موضوع «جامعه مدنی» که در زمان خود، بحثی جنجالی و در عین حال نو در عرصه سیاست بود، واکنش نشان داده است. هرچند که پرداختن به این موضوعات نیز، با گذشت زمان دچار تاریخ مصرفی مقطعی شده است.

«بگو چه هست آن که نام خوب آن / ز یاد بنده رفته است؟ / نه نام یک پرنده، نه چرنده، نه خزنده است / و نام آن تُکِ زبان بنده است / چه هست آنکه فی‌المثل / اگر به وقت شام نام آن بری / تمام سفره‌ها پر از چلوکباب می‌شود / ولی میان شعر من، اگر بیاید ای دروغ / بدون شبهه وزن شعر من خراب می‌شود / چه هست آن که نام آن / اگر جناح چپ ز دور بشنود / به سوی آن به شور و شوق می‌رود، بُدو بُدو / و در عوض / جناح راست می‌خورد تلو تلو / آهان یادم آمد: جامعه مدنی» (زرویی، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

۳-۱-۷- نقیضه اشعار شاملو

بدون شک، احمد شاملو یکی از مؤثرترین نوسرایان و سپیدگویان شعر فارسی است که اشعار وی مورد توجه بسیاری از ادب‌دوستان از طبقات مختلف قرار دارد. از آنجا که ویژگی نقیضه‌الگو برداری از شعر و متونی است که به گوش مخاطبان آشناست، زرویی کوشیده است تا با نقیضه بر شعر شاملو، این شگرد را به بهترین شکل ممکن در بیان سخن مؤثر به کار گیرد. شعر زیر نقیضه‌ای است بر شعر «نازلی سخن نگفت» شاملو:

«آنک کلاغ را / با گوش‌های خویش / در‌های‌های خنده شعبان نظاره کرد / شعبان سخن نگفت / بلکه هوار زد / آی تاکسی بایست، تاکسی فرشته بود که با اگزوزی خراب / می‌رفت لا کتاب» (همان، ص ۵۵).

۳-۲- نقیضه‌های کلاسیک

از جذاب‌ترین و ماهرانه‌ترین نقیضه‌های زرویی نصرآباد، نقیضه‌هایی است که وی به تقلید از اشعار شاعران کلاسیک فارسی سروده است. بیشترین بسامد این نوع نقیضه‌ها مربوط به سعدی و مولاناست و غالب موضوعات آن به ترتیب مسائل تعلیمی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. یکی از عمده‌ترین آثار زرویی تحت نام «رفوزه‌ها»

که در برگزیده سه اثر وی با نام‌های اخوانیات، از هر دری و اصل مطلب است، به عنوان کارنامه بیست‌ساله طنز زرویی به‌شمار می‌رود. در ادامه؛ به میزان تأثیرپذیری زرویی از شعرای کلاسیک و معاصر، برای خلق نقیضه در این اثر پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱- نقیضه بر اشعار سعدی

زرویی نصرآباد با توجه به حکایت‌های مختلف سعدی در بوستان، نقیضه‌های بسیار قابل توجهی با گوشه‌چشمی به روزگار خود ساخته است که با توجه به اهمیت و زیبایی آن، چند مورد از این نقیضه‌ها به همراه ابیاتی از شعر سعدی آورده می‌شود.

سگی پای صحرائشینی گزید	به خشمی که زهرش ز دندان چکید
شب از درد بیچاره خوابش نبرد	به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر را جفا کرد و تندی نمود	که آخر تو را نیز دندان نبود؟

(سعدی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۹)

زرویی در نقیضه بر شعر فوق تحت عنوان «حکایت شراکتی» بقیة داستان را این‌گونه بیان می‌دارد:

برآشفته شد مرد صحرائشین	بکرد اندر آن دشت چندی کمین
شد از دور پیدا سگ سرفراز	به گوشه بلند و به دمبی دراز
ز جا جست و دمب درازش گرفت	دمرکرد سگ را و گازش گرفت
سگ بینوا با تنی زخم و زار	ز صحرا نشین کرد آخر فرار
بگفتا که من اهل یکرنگی‌ام	خبانت نشد موجب لنگی‌ام
مرا رنج از این علت بعدی است	که پنداشتم دوره سعدی است

(زرویی، ۱۳۸۹، ص ۶۷)

به دلیل بسامد نقیضه‌گویی‌های زرویی نصرآباد بر اشعار سعدی، نمونه زیر نیز به‌عنوان شاهی دیگر خالی از لطف نیست:

دو بیتم جگر کرد روزی خنک	که می‌گفت صاحب‌دلی در ونک
چو افتی به زیر از مقامی بلند	به پایین و بالای دنیا بخند

نیفشان ز چشم ای برادر سرشک که دنیا همین است یعنی زرشک
(زرویی، ۱۳۸۹، ص ۶۵)

۳-۲-۲- نقیضه بر اشعار مولانا

زرویی نصرآباد با زبان تند و تیز طنز در کتاب «اصل مطلب» خود، به بیان عیوب سیستم اداری کشور پرداخته است و در این راستا، با ذکر عنوان هر شعر، پسرش حسام‌الدین را مخاطب خود قرار داده است. نقیضه‌های این اثر نیز بیشتر تحت تأثیر اشعار سعدی و مولاناست.

زرویی نصرآباد از شگرد نقیضه برای بیان مسائلی از قبیل نصیحت به فرزند، روش‌های مدیریتی، بلوغ فرزند، عقل معاش، استعفا و مقلّمات آن، شغل معاونت، صلّه رحم، تجلیل از پیشکسوتان، اسباب بزرگی و... استفاده کرده است. بخشی از این نقیضه‌ها به تقلید از اشعار مولانا جلال‌الدین بلخی است.

گوش بگشا ای حسام‌الدین حسن	تا بگویم قصّه آن پیرزن
بگذر از آن پیرزن تا زین سبق	قصّه‌ای دیگر بیارم بر ورق
تا نپنداری که خالی بسته‌ایم	باز یک مضمون عالی بسته‌ایم
بود دکانداری اندر شهر ری	کسب و کاری می‌نمود آن نیک‌پی
جنس‌های خویش را اندر نهان	کرد با تقلید از دولت گران
کای شما اندر گرانی اوستاد	مر مرا تقلیدتان بر باد داد

(همان، ص ۷۲)

۳-۲-۳- نقیضه در انتقاد از وضع معاش اهل قلم

زرویی نصرآباد از لحاظ اقتصادی و وضع معاش، زندگی پرفراز و نشیبی داشته است و از کودکی هواره با فقر دست و پنجه نرم کرده است. به همین دلیل این موضوع در اشعار طنز وی به صورت انتقادی، از بسامد بالایی برخوردار است. نگارنده این مقاله برای انجام یک پژوهش، بارها با ایشان مصاحبه و گفتگو کرده است، در این گفتگوها

از شرایط سخت و فقیرانه پدرش و زندگی حال خود و اینکه برخی از مسئولان برای قلم و هنر ارزشی قائل نیستند، همواره شکایت داشت.

نظامی عروضی سمرقندی در اثر مشهور خود، «چهارمقاله» در بیان اهمیت فراغت بال و آرامش فکری اصحاب قلم و فرهنگ، به ذکر داستانی به نام «آرد نماند» می‌پردازد و از آن نتیجه می‌گیرد که امیران و پادشاهان و صاحبان حکومت، باید همواره وسایل رفاه و معیشت اهل هنر را آماده سازند تا فکر آنان همواره بر اهداف فرهنگی‌شان متمرکز باشد:

«هر صنعت که تعلق به تفکر دارد، صاحب صنعت باید که فارغ دل و مرفه باشد که اگر بر خلاف این بود، سهام فکر او متلاشی شود و بر هدف صواب به جمع نیاید، زیرا که جز به جمعیت خاطر، به چنین کلمات باز نخواهد خورد» (نظامی عروضی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵).

همین متن بهانه‌ای برای شکل‌گیری نقیضه شده و زرویی نصرآباد با انتقاد از مشکل اجاره‌نشینی خود، تحت تأثیر داستان «آرد نماند» در نقیضه‌ای با عنوان «در بیان آرد نماند و مصیبت اجاره‌نشینی» خطاب به فرزند خویش می‌گوید:

پسرم جمع کن که طبق روال	چشم بر هم زدیم و شد سرسال
آمد از نو عزا گرفتن‌ها	هی به دنبال خانه رفتن‌ها
ماتم قبض و فیش از یک سو	مشکل پول پیش از یک سو
نه مرا مایه تا کنم تمدید	نه شرایط برای پیش خرید
بازهم دوره فشار و تکان	بازهم مشکلات نقل مکان
باز هم خانه‌های کم‌مترار	جنب شوفاژخانه یا گاراژ
بعد عمری امید و دل‌تنگی	این هم از مزد کار فرهنگی

(زرویی، ۱۳۸۹، ص ۷۴)

و یا در جایی دیگر، با نقیضه بر شعر «میراث» اخوان ثالث، با کنایه به فرزند خود یادآوری می‌کند که:

ثروت و فقر و بخت و زور و ادب	ربط دارد مسلماً به نسب
حکمت و دانش خردمندان	منتقل می‌شود به فرزندان
خوی اجداد ما چه زشت و چه نیک	منتقل می‌شود به ما ژنتیک
پسرم این گلیم بخت خفن	به شما ارث می‌رسد از من
پدرم هم گرفته از پدرش	تا نهد توی بقچه پسرش
چه کنم شرمسار تقدیرم	من خودم هم بدون تقصیرم

(زرویی، ۱۳۸۹، ص ۳۲)

۳-۲-۴- نقیضه به سبک مقامه‌نویسی

«مقامه در لغت به معنی جای ایستادن است و در معنی اصطلاحی، قسمی است از اقسام قصص که با صرف نظر از تکلفات لفظی و معنوی که در آن هدف اصلی است، مقصود نویسنده از ابداع و انشای آن این است که بتواند با فراغت بال و وسعت مجال هرچه بیشتر صنایع لفظی و بدیعی، بخصوص سجع را در آن به‌کاربرده و در لغت‌پردازی و ترکیب‌سازی نهایت هنر خود را در فن نثرنویسی به شیوه معمول ارائه دهد» (خطیبی، ۱۳۷۵، ص ۵۴۵). با وجودی که بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و سپس قاضی حمیدالدین بلخی را در این شیوه از متقدمان می‌دانند، ولی مقامات سعدی شیرازی بسیار روان‌تر و از حیث لفظ و معنی سرآمد است. استفاده از طنز و مطایبه و همچنین تنوع موضوعات را از دلایل جذابیت مقامات سعدی باید دانست.

ملک‌الشعرا بهار، سعدی را پیرو قاضی حمیدالدین بلخی می‌داند و عقیده دارد: «گلستان سعدی در واقع مقامات است و می‌توان او را ثانی‌اثنین قاضی حمیدالدین بلخی شمرد» (بهار، ۱۳۵۵، ص ۱۲۴). در هر حال، زرویی نصرآباد در این شیوه، تنها یک‌بار با فن نقیضه، طبع‌آزمایی کرده است. گویی با توجه به ویژگی‌هایی که برای قهرمان مقامه برشمرده می‌شود، جز گل‌آقا (کیومرث صابری فومنی) که سال‌ها با او همکاری داشته و از خصوصیات اخلاقی او باخبر بوده است، کسی را شایسته گنجاندن در این قالب ندانسته است. زرویی در این مقامه با نقیضه بر قصیده سعدی به مطلع:

فقیه‌ی کهن‌جامه‌ای تنگ‌دست به ایوان قاضی به صف برنشست
(سعدی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۳)
چنین نقیضه‌سرایی کرده است که البتّه به دلیل حجم زیاد این نقیضه، قسمت‌هایی
از آن را می‌آوریم:

طریقت‌شناسی به ظاهر جهول ز دیوان طلب کرد اذن دخول
نگهبان کابینه چون گل شکفت بردش به دیوان و خندید و گفت
که این بوالعجب مرد سرگشته‌ای ست ز حیث تعقل دمر گشته‌ای ست
چنان گرم رفت از میان توسنش که واقف نگشتند از رفتنش
به هر گوشه ملک بشتافتند بجستند و کمتر اثر یافتند
منادی بپرسید از مردمان که گمگشته مردی است با این نشان
سخندان و طنّاز و صاحب‌نظر کمی تا حدودی شبیه بشر
بگفتند از این نوع شیرین‌نفس در اینجا، گل‌آقا شناسیم و بس
(زرویی، ۱۳۸۹، ص ۷۷)

۳-۳- نقیضه‌های منشور زرویی نصرآباد

همان‌گونه که اشاره شد زرویی نصرآباد هم در ادبیات طنز منظوم و هم منشور از مهارت زیادی برخوردار است و در هر دو صورت، آثاری را ارائه داده است. غلاغه به خونس نرسید، تذکرةالمقامات و خاطرات حسنعلی‌خان مستوفی، سه اثر منشور وی در حوزه طنز هستند. استفاده از شگرد نقیضه در این آثار نیز مشهود و قابل توجه است.

۳-۳-۱- نقیضه در تذکرةالمقامات

اساس طنز تذکرةالمقامات بر اساس نوشته‌های طنز زرویی در ستون طنز روزنامه همشهری در سال ۱۳۷۱ شکل گرفته و بعدها در کتابی به همین نام منتشر شده است. زرویی در این اثر با نقیضه‌سازی بر تذکرةالاولیاء عطار نیشابوری، به زبانی شیوا و طنّازانه در هر شماره به شرح حال یکی از چهره‌های سیاسی و مطرح کشور که

عاهده‌دار منصبی حکومتی بوده‌اند پرداخته و اثری منحصر به فرد را رقم زده است. در اهمیّت این اثر همین بس که شیوه بیان وی، به الگویی در نقیضه‌گویی تبدیل شده و پس از آن طنزپردازان متعددی کوشیده‌اند از این شیوه الگوبرداری کنند. برای نمونه، اثری از این کتاب نقل می‌شود:

«آن مرد خدا، آن افتاده از دیگران جدا، آن محافظ حریم گلدان، مولانا غلامحسین کرباسچی، رئیس بلدیّه تهران- حفظه‌الله- در عهد خود بی‌نظیر بود. ابتدای کار او آن بود که سپاهان را خرابی عظیم افتاده بود، خلق بر این فرار کردند که صبح آدینه، اوّل کس که از دروازه به شهر درآید، عمران شهر بدو سپارند. پس اوّل کس که از در درآمد، همین مرد بود -حفظه الله- از وی کرامت‌های عجیب پدید آمد. چنان‌که در سپاهان هر جا عمارتی دیدی به اشارتی خراب کردی و جای آن گل کاشتی و در سپاهان عمارتی نگذاشت؛ مگر منارجنبان و مسجد شیخ لطف‌الله که آن هم اگر دستش رسیدی، خراب کردی. مردم را تاب ملاحظه این کرامات نبود و قدرش نداشتند؛ پس عظیم دلتنگ شد و به قصد حج از سپاهان بیرونش کردند. در راه، بسیار بگریست و بسیار علوم بر او مکشوف گردید و چندان در بحر مکاشفت مستغرق گشت که به جای وادی حجاز و طی، سر از بلاد ری به درآورد.

پس همان شب که به شهر درآمد، وزیر ولایت ری در خواب چنان دید که هاتقی گفتش: چه خفته‌ای که دوستی از آن ما، بر در سرای توست. برخیز و او را شغلی فرمای. پس آن بزرگ برخاست و چنان دید که شنیده بود. پس او را تکریم کرد و امارت بلدیّه تهران، او را داد. گویند: دو ماه پیش نرفت که با طهران همان کرد که با سپاهان کرده بود و از برای رفاه مردمان، عوارض را دو برابر گردانید و در میادین فواره راست کرد؛ چنان‌که پیش از او کسی چنان نکرده بود.

روزی در جمع مریدان، می‌گفت: من در دکان مردمان از بهر خدا زرد می‌کنم. و هم او گفت: اگر زرد، رنگ خوب نبود، در بیضه مرغ به جای زرده، سبزه بودی. کسی گفتش: چون است که در وقت گران کردن عوارض و خدمات، فکر مردمان شهر نکنی؟

گفت: چنان در کار شهر مستغرقم که از شهروندانم یاد نمی‌آید» (زرویی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴).

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، نقیضه‌هایی از این‌دست، با تمام التذاذ ادبی و مهارت نویسنده آن، به دلیل منحصر شدن به نام افرادی در برهه زمانی خاص، مشمول تاریخ مصرف شده و امروزه برای مخاطبان به دلیل ناشناس بودن شخصیت آن، از شیرینی و تأثیر زمان نگارش آن بی‌نصیب است.

۳-۳-۲- نقیضه داستان‌های کهن

زرویی نصرآباد به دلیل انس و الفتی که با ادبیات ایران و جهان دارد و به خاطر مطالعه و آگاهی به افسانه‌ها، فابل‌ها و مثل‌ها کوشیده است با نگارش نقیضه‌هایی بر آن، خطاها و اشتباهات و ابتلائات انسان امروزی را در قالب افسانه‌های مدرن بازگو کند. وی در «غلاغه به خونش نرسید» مجموعه‌ای از ۵۶ حکایت افسانه‌ای را روایت کرده است. داستان‌هایی که هرکدام با تقلید از شیوه قصه‌گویی قدما، با عبارت «یکی بود، یکی نبود» شروع می‌شود و با عبارت «قصه ما به سر رسید، غلاغه به خونش نرسید» به پایان می‌رسد.

در این حکایت‌ها، هر کس به فراخور قومیت و ملیت خود، ریشه‌های مشترک فرهنگی با دیگر ملل و اقوام در خود می‌یابد. شخصیت‌های این افسانه‌ها نیز علی‌رغم شکل و شمایل و اسامی قدیمی، به شدت مدرن و امروزی‌اند. دختری که با استفاده از اینترنت و پست در مسنجر دنبال شوهر می‌گردد، شاهزاده‌ای که به قاچاق کالا مشغول است، شترمرغی که پرواز می‌کند و جعبه سیاه دارد و... البته نباید متعجب شوید اگر در این کتاب، مثلاً با مرد جوانی روبرو شوید که یک روز بر می‌خیزد و می‌بیند یک دم واقعی درآورده یا سرگذشت جوان نیکوکاری را که به خاطر دعای خیر پیرزنی، هر روز صبح با رنج و مرارت بسیار، تخم طلا می‌گذارد.

«یکی بود یکی نبود؛ غیر از خدا هیچ‌کس نبود. روزی روزگاری یک جوانی بود در ولایت غربت به اسم اکبر و این اکبر یک دخترعمویی داشت مثل پنجه آفتاب و قرص

قمر که اسمش کبری بود. یک روز که اکبر رفته بود به صحرا از برای جمع آوری هیزم، دید دست و دلش به کار نمی‌رود و فهمید که یک دل نه صد دل عاشق دختر عموش کبری شده است. این شد که پا شد برگشت رفت خانه، مادرش را برداشت برد به خانهٔ عمو و گفت: ای عمو بدان و آگاه باش که دنیا دو روز است و وفا ندارد و قیمت زمین گران شده و فرار مغزها و راکتورهای اتمی و یازدهم سپتامبر و مادر اینجانب هم که زن برادر مرحوم شماسست و عقد پسرعمو و دختر عمو را هم که در آسمان‌ها بسته‌اند. عمو، پس کله‌اش را خاراند و گفت: فی‌الواقع همین خانهٔ ما از پارسال چهار تومان رویش رفته است و زندگی سخت است و مجلس زیر بار نمی‌رود و سیب‌زمینی بی‌قابلیت شده کیلویی دویست تومان و کبری دست به سیاه و سفید نمی‌زند و آیا تو خانه داری؟...» (زرویی، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

۳-۳-۳- نقیضه تاریخ‌نویسی

در آخرین اثری که تاکنون از زرویی نصرآباد منتشر شده است نیز وی به صورت برجسته‌ای از شگرد نقیضه برای بیان اهداف خود استفاده کرده است. «خاطرات حسنعلی‌خان مستوفی»، اثری است طنز در باب اندیشه و فکر و سیاست و هرآنچه که زرویی در خلال سال‌های زندگی خود دست‌مایه‌ای برای نگاه طنزآمیز به آن یافته است. او در این اثر، به خلق دو شخصیت خیالی با نام‌های حسنعلی‌خان مستوفی و میرزاحسین پیشکار دست زده است؛ که یکی به تقریر و بازگویی خاطرات دیگری مشغول است و جالب اینجاست که هر دو نیز از اساس وجود خارجی ندارند. هنر زرویی در این اثر را می‌شود در ابعاد مختلفی جستجو کرد. او در این اثر با روایت و زبانی کلاسیک - به سبک ادبیات دوران قاجار - به بیان خاطرات حسنعلی‌خان دست زده است.

رد پای این روایت را از لحاظ نقیضه، در آثاری همچون روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، کتاب استاد عشق (خاطرات پروفیسور حسابی به قلم فرزندش) و... جست. البته زرویی با زیرکی تمام با حفظ ساختار زبانی این خاطرات در این سبک روایی، از برخی عبارات و اصطلاحات قدیمی و ناملموس قجری آن پرهیز کرده و با

عبارات و اصطلاحات رایج که به حدّ لزوم به آن افزوده شده است به این متن، جذّابیت زیادی بخشیده است.

نکته جذّاب دیگر این طنز را می‌توان در نمایش استادانه طنز تلخ در آن جست. هر چند که حسنعلی‌خان و کاریزمای اعجاب‌برانگیز شخصیت او که توسط زرویی در این متن آورده شده، در این کتاب به راحتی خواننده را راضی می‌کند؛ اما هنر زرویی در واقع ترسیم واقعیت‌هایی دراماتیک و تلخ از رفتارهای سیاسی و اجتماعی ایرانیان در طول سال‌های متمادی است که او با وارونه جلوه دادنش، گویی سعی داشته به آن طعنه بزند.

ماجرای دعوت رضا شاه پهلوی از حسنعلی‌خان برای شرکت در مراسم تاجگذاری وی و نیز مقدمه خودنوشت این کتاب که در آن شرح توصیفات شخصیت‌های مختلف سیاسی از این چهره است؛ می‌تواند گواهی بر این حقیقت باشد که زرویی در این کتاب حقیقت شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران را در طول تقریبی یک قرن اخیر، به زیر ذره‌بین خود برده است.

خاطرات حسنعلی‌خان مستوفی از سوی دیگر و فراتر از این مباحث عرصه‌ای برای نمایش اطلاعات و نگاه جامع نویسنده‌اش در ورود به لایه‌های زیستی اجتماع پیرامون خودش نیز هست. زرویی در این کتاب و در قالب روایت طنز خود از خاطرات حسنعلی‌خان به تمامی گونه‌ها و تیپ‌های اجتماعی و پدیده‌های فرهنگی پیرامونش به فراخور موضوع سرک کشیده و با بیانی جامع از نوع نگاه ایرانیان به آن شخص یا پدیده با زیرکی پرده برداشته است. حضور و دیدار با چارلی چاپلین، هیتلر، آندره مالرو، برشت و صادق هدایت و نیز شرح موضوع‌هایی مانند نحوه ورود موسیقی به ایران و یا بررسی بنیان فرهنگستان در ایران، مصداقی قابل توجه بر این مدعاست. با این همه، نکته‌ای که این اثر زرویی را بسیار قابل تأمل کرده است، خود او به زیرکی در مقدمه‌اش بر این کتاب درج کرده است.

این کتاب اثری است که در روزگار دوری زرویی از طنزپردازی نگاشته شده، دورانی که گویا نگاه عامهٔ اجتماع به وی در قالب یک هنرمند طنز، دیگر برای او چنان اعتبار و ارزشی ندارد؛ شاید به همین اعتبار بتوان این خاطرات خودساخته را سیر دگردیسی ذهنی او نیز به‌شمار آورد؛ دگردیسی که در آن، شگرد نقیضه‌گویی با پیش‌الگو قرارداد ادبیات قاجاری و گفتمان کتاب‌های خاطره‌نویسی آن عهد، حرف نخست را می‌زند.

«کمتر کسی به میزان مودت و دوستی میان مرحوم آندره ژید و مرحوم اینشتین آگاه است. از این دو، یکی در سال ۱۹۲۱ به اخذ جایزهٔ نوبل در رشتهٔ فیزیک نائل شد و دیگری در سال ۱۹۴۷ جایزهٔ ادبی نوبل را دریافت کرد. احتمالاً اواسط سپتامبر ۱۹۳۳ بود که تلگرافی از آندره ژید به دستم رسید. تاریخ مندرج در متن تلگراف، این است: هشتم سپتامبر ۱۹۳۳. (توضیح از حقیر بی‌مقدار، میرزا حسین پیشکار: آن روزها، این بنده برای انجام برخی مذاکرات در ایالات متحده بودم) متن تلگراف چنین بود: دوست عزیز، لابد متأثر خواهید شد اگر بگویم دوست مشترک‌مان، اینشتین در خطر است. او را برای اقامت به فرانسه دعوت کرده‌ام ولی او پاریس را برای اقامت امن نمی‌داند. به هم‌فکری شما نیاز مبرم دارم. ارادتمند: ژید» (زرویی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸).

برای پی بردن به هنر نقیضه‌گویی زرویی در این اثر، به قسمتی از الگوهایی که زرویی در آفرینش این نقیضه‌ها، بدان نظر داشته است و با نقیضه‌سازی بر آنها خواسته است تا خوانندگان این متون را نسبت به میزان صحت و درستی این خاطرات، به فکر فرو برد، اشاره می‌کنیم:

«استاد به چهار زبان زندهٔ دنیا فرانسه، انگلیسی، آلمانی و عربی مسلط بودند و به زبان‌های سانسکریت، لاتین، یونانی، پهلوی، اوستایی، ترکی، ایتالیایی و روسی اشراف داشتند... استاد تنها شاگرد ایرانی پروفسور اینشتن بوده و در طول زندگی، با دانشمندان طراز اول جهان، نظیر شرویدینگر، فرمی، دایراک، بوهر، و با فلاسفه و ادبایی همچون: آندره ژید و برتراند راسل تبادل نظر داشته است» (حسابی، ۱۳۸۸، ص ۱۸ و ۱۹).

«...همین مطلب باعث شد یکی از امراء که معروف به رضاخان میرپنج بود، اظهار تمایل به ملاقات با اینجانب کند... بعد میرپنج برخاست دست من را گرفت به اتاق پهلوی سالن بزرگ برد و گفت: فردا ساعت هشت بعدازظهر سر چهار راه امیریه منتظر شما هستم. می‌خواستم دوبه‌دو قدری صحبت محرمانه کنیم» (کامران، ۱۳۷۰، ص ۲۹۹).

نتیجه‌گیری:

زرویی نصرآباد یکی از برجسته‌ترین طنزپردازان دوران پس از انقلاب اسلامی ایران در عرصه طنز سیاسی و اجتماعی است. نقیضه، از مهم‌ترین شگردهای وی در خلق موقعیت طنز است. او در آثار نخستین خود از این شیوه برای بیان مسائل رایج و مرسوم دهه هفتاد از جمله: تورم، مشکلات شهری، سیستم حمل و نقل عمومی، بیکاری و... استفاده کرده است. به مرور زمان و با دستیابی به سبک شخصی، نقیضه‌های زرویی در نظم و نثر دارای کارکردی اجتماعی سیاسی می‌شود. کارکردی که به معنا و رسالت طنز واقعی نزدیک‌تر شده، تا از طریق آن جامعه و اشخاص را متوجه کژی‌ها و عیوب خود سازد. از اولین و تأثیرگذارترین نقیضه‌گویی‌های زرویی، مجموعه نقیضه‌هایی است که با نام تذکرةالمقامات به چاپ رسیده است. زرویی در هر قسمت از آن، با پیش‌الگو قرار دادن شیوه تذکرةالاولیاء عطار نیشابوری، برای شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی ایران که در دهه هفتاد شمسی در رأس امور حکومتی بوده‌اند، نقیضه ساخته است. این‌گونه نقیضه‌ها، اگرچه در شروع کار و زمانه خود مورد استقبال عموم قرار گرفت و نشانگر قلم و بیان توانای زرویی بود؛ ولی به دلیل تاریخ مصرفی که شامل نقیضه‌هایی از این دست می‌شود، به مرور زمان و به دلیل از یاد رفتن چهره‌های مقطع زمانی خاص از ذهن مردم، عملاً تأثیر و کارایی خود را از دست داد. این همان نکته‌ای است که زرویی با ممارست و تجربه‌اندوزی، خود به آن واقف گشته و در آثار بعدی، خود را از این خطا بر حذر داشته است. تمرکز نقیضه‌گویی بر روی موضوعاتی چون: تربیت فرزند، آسیب‌شناسی سیستم اداری کشور و مسائل اخلاقی،

حاصل نیل به این مهم است، که زرویی با دست یافتن به سبکی شخصی به آن نائل شده است.

در بین آثار طنز زرویی، رفوزه‌ها از بیشترین بسامد نقیضه‌گویی برخوردار است. وسواس در انتخاب موضوع، انتخاب پیش‌الگوهای فاخر و آشنا برای خواننده و روانی کلام زرویی، سخن او را به صفت سهل و ممتنع بودن رسانده است و شاید به همین دلیل است که زرویی بیشترین الگوهای نقیضه‌سرایی را در بین شاعران، از اشعار سعدی شیرازی انتخاب کرده است. نکته مهم دیگر که سبب توفیق زرویی در خلق طنزی مؤثر با توسل به شگرد نقیضه‌گویی شده است، تسلط و آشنایی وی با ادبیات کلاسیک و معاصر ایران است. وی تقریباً بر شعر اغلب شعرای مطرح کلاسیک و امروزی ایران، نقیضه ساخته است؛ هرچند که در مجموع، الگوهای وی در نقیضه‌گویی از شاعران کلاسیکی چون سعدی و مولانا از بسامد قابل توجه‌تری برخوردار است. مهارت وی در این زمینه گاه باعث شده است تا در یک شعر، شاهد نقیضه‌هایی باشیم که حاصل اشعاری از چند شاعر است. با این وجود غنای ادبیات کلاسیک فارسی سبب شده است تا بیشتر نقیضه‌های وی بر شاعران آن دوران باشد.

نقیضه‌گویی به شیوه شعر نو از دیگر ابتکارات زرویی است. انتخاب این شیوه، گاه سبب شده است تا تکراری‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین موضوعات برای خوانندگان، جذاب و لذت‌بخش باشد. زرویی از این شگرد برای مطرح کردن شگردهای قدیم و فراموش شده زبان فارسی نیز استفاده کرده است، چنانچه تزریق‌گویی یا شعر مسلوب‌المعانی را هرچند به ندرت، در آثار وی می‌توان مشاهده کرد.

نقیضه، ابزاری کاربردی است که زرویی با بهره‌گیری صحیح و استادانه از آن موضوعاتی چون مسائل سیاسی، دستگاه‌های قدرت و حتی اسامی خاص را با آن به چالش می‌کشد. این همان قدرت طنز است که در لفافه‌ای از لبخند و شوخی، رسالت شکستن تابوها و مرزهای ساختگی را جهت آگاهی بخشیدن به مخاطب دارد. نقیضه‌های زرویی فارغ از جنبه شوخی و التذاذ ادبی، بیان‌کننده دغدغه‌ها و نگرانی‌های

اصحاب قلم و فرهنگ می‌باشد. این نوع از نقیضه‌ها در عین حال که خواندنی و شیرین است، روایت‌گر مطالبات و روزگار بسیاری از نخبگان جامعه است. مهارت زرویی در قلمرو زبان و ادبیات فارسی، به همراه ذوق و استعداد شگرف طنز، سبب شده است تا نقیضه‌گویی‌های وی علاوه بر شعر در حیطه نثر نیز درخشان و گویا باشد.

دو اثر اخیر زرویی با نام‌های «غلاغه به خونش نرسید» و «خاطرات حسنعلی‌خان مستوفی» از این قبیل‌اند. در اثر نخست، زرویی با پیش‌الگو قرار دادن شیوه روایت قصه‌های کهن فارسی، دغدغه‌های انسان امروزی را با این شیوه بیان کرده است و در اثر دوم نیز به شیوه بسیاری از کتاب‌های خودنوشت خاطره‌نویسی، با خلق دو شخصیت ساختگی تاریخی، به توهمات و خودشیفتگی نویسندگان این‌گونه آثار اشاره کرده است.

با نگاهی به سیر آثار زرویی نصرآباد تا به امروز، رشد خلّاقیت و مهارت وی در این زمینه تا رسیدن به طنزی فاخر و اثرگذار که دغدغه‌های اجتماعی دارد و راه‌های برون‌رفت از وضع موجود را نشان می‌دهد، به‌خوبی آشکار می‌شود. بی‌شک در این راستا باید نقیضه‌گویی را شگرد غالب و اصلی زرویی در خلق موقعیت‌های طنز دانست. شگردی که با طبع جوشان طنزپرداز زرویی درآمیخته و علاوه بر لفظ، معنا را نیز احاطه کرده است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

- ۱- ابرامز، اچ ام (۱۳۸۴)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه: سعید سبزیان، تهران، انتشارات رهنما.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۴)، نقیضه و نقیضه‌سازان، به کوشش: ولی‌الله درودیان، تهران، انتشارات زمستان.
- ۳- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن.

- ۴- بهار، محمدتقی (۱۳۵۵)، سبک‌شناسی نثر، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۵- جوادی، حسن (۱۳۸۴)، تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران، نشر کاروان.
- ۶- چناری، امیر (۱۳۷۷)، متناقض‌نمایی در شعر فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرزین.
- ۷- حسابی، ایرج (۱۳۸۸)، استاد عشق، چاپ چهل و پنجم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۸- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۸۸)، پژوهشی در ادبیات غیرجدّ فارسی، تهران، انتشارات ارمغان.
- ۹- خطیبی، حسن (۱۳۷۵)، فنّ نثر، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوآر.
- ۱۰- زروی نصرآباد، ابوالفضل (۱۳۷۶)، تذکرةالمقامات، تهران، انتشارات گل آقا.
- ۱۱- ----- (۱۳۸۸)، اصل مطلب، تهران، انتشارات همشهری.
- ۱۲- ----- (۱۳۸۹)، رفوزه‌ها، تهران، نشر نیستان.
- ۱۳- ----- (۱۳۸۹)، غلاغه به خونش نرسید، تهران، نشر نیستان.
- ۱۴- ----- (۱۳۹۲)، خاطرات حسنعلی خان مستوفی، تهران، نشر نیستان.
- ۱۵- زرّین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۶- سعدی شیرازی (۱۳۸۰)، کلیات سعدی شیرازی، بر اساس تصحیح فروغی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میلاد.
- ۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، قلندریّه در تاریخ، تهران، نشر سخن.
- ۱۸- علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۱)، نظریه‌های ادبی معاصر، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۹- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، نشر سخن.

- ۲۰- فرشادمهر، فریبا (۱۳۸۹)، طنزآوران امروز ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات سورۀ مهر.
- ۲۱- قزوینی، محمد (۱۳۸۸)، یادداشت‌های محمد قزوینی، به کوشش: ایرج افشار، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- کامران، مرتضی (۱۳۷۰)، دیده‌ها و شنیده‌ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات البرز.
- ۲۳- میرصادقی، جمال (۱۳۷۷)، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، تهران، انتشارات مهناز.
- ۲۴- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه: مهرازمهاجر، محمد نبوی، چاپ دوم، تهران، نشر آگه.
- ۲۵- موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۰)، دگرخند، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۶- نظامی عروضی (۱۳۷۷)، چهارمقاله، تصحیح: محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ب) مقالات:

- ۱- پشتدار، علی محمد (۱۳۹۴)، «سبک‌شناسی پارودی در آثار طنز سید ابراهیم نبوی»، مجله بهار ادب، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، شماره پیاپی ۲۸، صص ۴۲-۲۶.
- ۲- شفیعیون، سعید (۱۳۸۸)، «تزییق نوعی نقیضه هنجارستیز طنزآمیز»، مجله ادب پژوهی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۲۷-۱۲.
- ۳- صدریان، محمدرضا، «تحلیل و تعاریف نقیضه»، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۱۸.
- ۴- فلاح قهرودی، غلامعلی (۱۳۸۹)، «نقیضه و پارودی»، مجله متن‌شناسی ادب فارسی (دانشگاه اصفهان)، دوره ۴۶، شماره ۸، صص ۳۲-۱۷.
- ۵- قاسمی‌پور، قدرت، «نقیضه در گستره نظریه‌های ادبی معاصر»، فصلنامه نقد ادبی، سال ۲، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۴۷-۱۲۷.

ج) پایان‌نامه‌ها:

- ۱- پریدل، حمیده (۱۳۹۱)، بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام،

خلیل جوادی و ابوالفضل زرویی نصرآباد، استاد راهنما: مهدی خادمی کولایی، دانشگاه پیام نور مازندران.

۲- حسینی، مریم و سارا غلامی (۱۳۹۱)، نقد ساختاری غلاغه به خویش نرسید، اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد، استاد راهنما: نسرین فقیه ملک مرزبان، دانشگاه الزهراء.

(د) منابع لاتین:

1. Americana (1974) international edition newyork.
2. cudden, J.A(1993) A dictionary of world literary terms. Oxford.
3. Shipley, joseph(1970) A dictionary of world literary terms. Boston.

